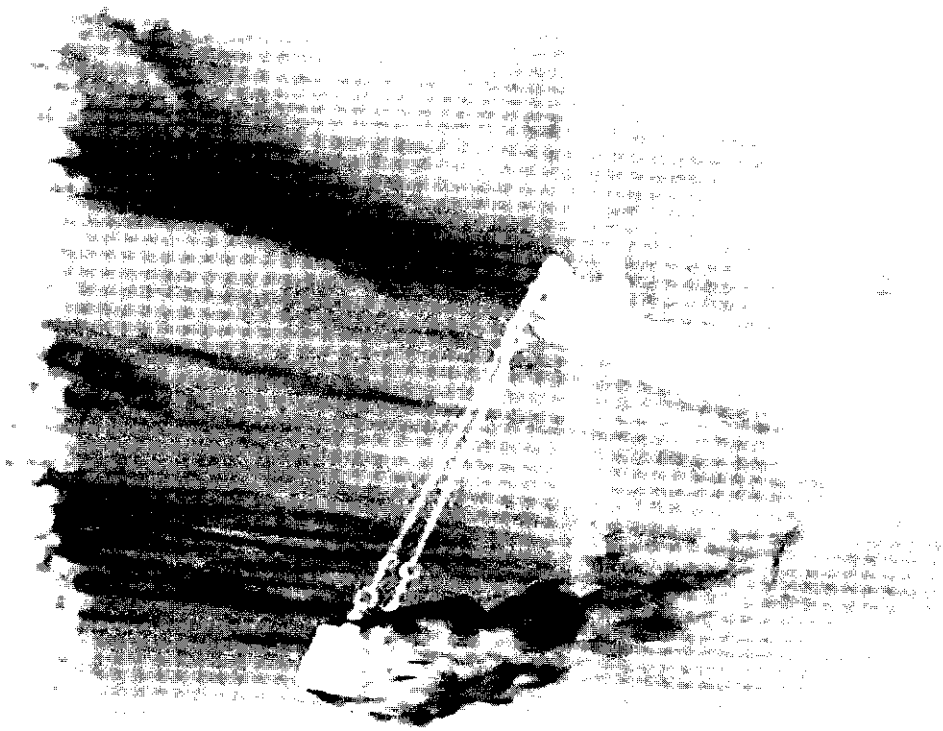


# تقدیس آتش در ادیان

● مریم فلاحتی موحد



چنانکه می‌دانیم، چهار عنصر در طبیعت قابل تشخیص است. ارسطو و نیز همه حکما از زمین (خاک)، هوا (باد)، آب و آتش سخن گفته‌اند. قدما آنها را، آتش سوزنده، آب سازنده، باد پوینده و خاک پاینده می‌نامیدند. در این مقاله، عنصر آتش مورد نظر ماست. (۱)

آتش را باید از جمله نخستین پدیده‌های مرتبط با بشر دانست که حیرت، کشتش و خوف را در او برانگیخت. ارتباط آتش با امر دین مسلماً به ادوار پیش از تاریخ برمی‌گردد، زیرا در بیشتر ادیان باستانی از کهن‌ترین ایام، به پرستش آن بر می‌خوریم و آتش در بیشتر تمدن‌های باستانی یا نشانه‌ای از الهیت و یا خود یک خدا بوده است. (۲)

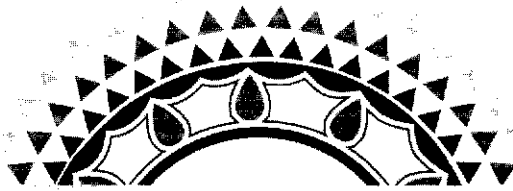
در زمینه دینی، آتش به سبب تنوع ویژگی‌ها و عملکردهایش نقش بسیار گسترده‌ای در اساطیر، اعتقادات و آیین‌های پرستش پیدا کرده است. بعضی عناصر پرستش آتش و یا استفاده از آن در شعائر دینی را می‌توان در تجارب عملی آدمیان که بازمانده از روزگار بسیار دور است، جست‌وجو کرد. با خانگی شدن آتش که به ۱۰ هزار سال پیش باز می‌گردد، زندگی و آتش، آنچنان در هم آمیخته شدند که مرگ یک فرد با خاموشی آتش خانه او قرین می‌شد. (۳)

مثبت سازنده‌اش، در تضاد است. فولکانلی می‌نویسد: «مادام که آتش بیاید، عروج انسان می‌تواند بر اشیایی که در میانش گرفته‌اند، به تردستی و چابکی، اعمال قدرت کند. مادام که آتش بیاید، انسان با خدا ارتباط مستقیم خواهد داشت و مخلوق خالقش را بهتر خواهد شناخت. این چنین به پیشی می‌رسیم که به موجب آن، آتش، محمل اثر سیال، روشنائی، گرما و برق است. به این‌گونه آتش مبنای حرکت تلقی شده، در وزن و ضرباهنگ ادغام می‌شود یعنی همان حرکت پراهنترازی که مورث زندگی است و نیز عشق روحانی محسوب می‌شود.» (۴)

تأثیر مثبت آتش است که باعث وابستگی شدید انسان به آن یا ترس بسیار از نیروی مهلکش می‌شود و لذا ارزش آن در بسیاری از ادیان تا حد تقدس بالا رفته است. (۵)

اکنون به‌طور خلاصه تقدس آتش نزد ادیان و اقوام مختلف را بررسی می‌کنیم:

آتش در ادیان ابتدایی و قدیم: طبیعت پرستی در جوامع و قبایل ابتدایی یکی از مهم‌ترین صورت‌های دین است زیرا انسان ابتدایی قبل از توجه به ماوراء طبیعت، به مظاهر طبیعی مانند: باد، رودخانه، اجرام سماوی و جز آن با دیده اعجاب می‌نگریست و باور داشت که هر کدام از آنها مستقلاً در زندگی و سرنوشت او مؤثر است، از این رو در برابرشان سر تعظیم فرود می‌آورد و به ستایششان می‌پرداخت. رأی بسیاری از صاحب‌نظران براین اصل قرار دارد که طبیعت‌پرستی کهن‌ترین دینی بوده است که آثار آن تا به امروز بر جای مانده است. آنها معتقدند بیشتر ملت‌های امروزی جهان در آغاز طبیعت‌پرست



و نگران بودند که مبادا پایان زندگی انسان باشد و خورشید دیگر طلوع نکند، اما هنگامی که حادثه‌ای رخ نمی‌داد به جشن و شادی و قربانی انسان می‌پرداختند. در این هنگام که بدون حادثه زمان سپری شده بود، خرمی از آتش به مردم بیمناک و مانمزه اعلام می‌کرد که دوران گردش نوینی از زهره آغاز شده است. (۱۳)

در معبد بزرگ پرو، همواره ۱۵۰۰ دوشیزه سوگند خورده وجود داشت که از هفت تا هشت سالگی وقف خدمت آتش مقدس و معبد می‌شدند. (۱۴) و در قبایل مختلف آمریکای قدیم مراسم بسیاری برای خدای آتش وجود داشت که خارج از حوصله این مقاله است. آتش در مصر باستان: به‌طور قطع نمی‌توان گفت که مصریان آتش را عبادت و نیایش می‌کرده‌اند، ولی چون ستایش آتش دنباله ستایش خورشید است و مذهب مصریان نیز مبتنی بر عبادت خورشید «رع» بوده است، می‌توان گفت: مصریان آتش را می‌ستوده و به آن نماز برده و نیاز می‌کردند. همچنین آتش نزد مصریان مانند ملل دیگر با عقیده به پاکی و تطهیر آن و نیز با پندار آنان درباره رستاخیز، رابطه داشته و نقش مهمی در عبادت خدایان و مردگان دارا بوده است گاهی نیز جشن‌های آتش بر پا می‌کردند. آنها سه جشن مخصوص آتش داشتند. یکی در نخستین شب سال نو، دیگر دو روز اول سال نو و سومین جشن ۱۸ ماه توت (Toth) به نام اوگ (Uag) بر پا می‌شد. (۱۵)

در مصر باستان سخت (SEKHAT) الهه آتش بود که سری چون شیر ماده داشت. وی همسر خدای دیگری به نام پتاح (PTAH) بود. در نمادها این الهه همراه با گوی بزرگی تصویر شده است که گوی نشانگر خورشید به‌عنوان آتش آسمانی است. (۱۶)

آتش نزد یونانیان: مطابق یکی از اسطوره‌های آفرینش نزد یونانیان، پرومتئوس (۱۷)، آفریننده انسان از گل و آب برای پیشرفت بشر به کوه المپ رفت و آتش را از خدایان دزدید و برای انسان به ارمغان آورد. از این زمان به بعد بود که یونانیان فنون مختلف، از جمله طرز ساختن برنز، ذوب کردن آهن و تبدیل آن به شمشیر و... را آموختند و به واسطه آن مشهور دنیای آن زمان شدند. در یونان، آتش مقدس و گرامی بود و برای آن خدایی داشتند که وی را هفاستوس می‌گفتند. هفاستوس الهه کار و پیشه آهنگری هم بود. الهه دیگری به نام هستیا آتش مقدسی را که در خانه‌ها می‌سوخت، نگهبانی می‌کرد. هلیوس نیز خدایندگار آفتاب بود و هر روز بامدادان گردونه آفتاب را در برابر آسمان از مشرق به سوی اقیانوس در مغرب به حرکت درآورده، درون

جنوب آفریقا هستند، بسیار رایج بوده است. مطابق با رسمی کهن مردمان نخستین که به علل پیدایش آتش و افروزش آن معرفت و شناختی نداشتند، آن را هدیه عزیز خدایان می‌پنداشتند و به تیمار، احترام و ستایش آن می‌کوشیدند. کسانی را هم به‌عنوان متولی به‌طور دائم برای نگهداری از آن می‌گماشتند و در مواقع معینی برای ستایش در محل مخصوص آتش مقدس گردآمده و مراسمی انجام می‌دادند و در بسیاری از نقاط چون ایران و روم، این روش عنوان مذهبی پیدا کرد همراه با رسوم، شعائر، تشریفات و آدابی پر دامنه و وسیع. (۹)

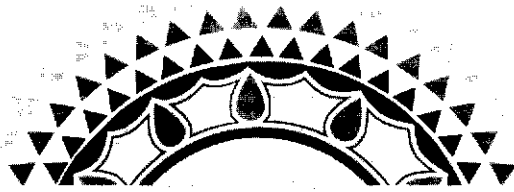
برای نمونه به قبیله امبو در آفریقای جنوب غربی می‌توان اشاره کرد که محافظت از آتش مقدس به‌عهده همسر یا دختر سرکرده محلی است. از این آتش نباید برای پخت و پز یا گرم شدن استفاده کرد و چون آتش را مظهر جامعه تلقی می‌کنند، خاموش شدن آن را دال بر تباهی قریب‌الوقوع می‌انگارند. در این قبیله، سران و سرکردگان محلی آتش خود را از اجاق مافوق‌هایشان روشن می‌کنند. (۱۰)

آتش در آمریکای قدیم: در آمریکای قدیم آتش برترین خدا بود و نزد قبایل و ملل مختلف نام‌های گوناگون داشت. در مکزیک، گزیه‌تکوئلی (Xiuhtecutli) و در پرو، پاچاکاماک (Pachacamac) نامیده می‌شد. (۱۱) پرستش آتش و خداوند آتش میان اینکاها و ازتک‌ها رسوم و مقامی خاص داشت. در هر معبدی آتش مقدس، در مجمرها و آتشدان‌های طلا نگاهداری می‌شد. مقابل محراب و قربانگاه هر معبدی آتش همیشه فروزان وجود داشت که کاهنانی مخصوص از آن سرپرستی می‌کردند. با توجه به مراسم جشن خورشید این نکته قابل درک است که یکی از رسوم آن تجدید آتش مقدس است، در حالی که در جامعه ازتکی و اینکایی آتش مقدس و مراسم و آداب عبادت آن در کنار تمام مراسم مذهبی بزرگ جداگانه وجود دارد. پیش از جشن خورشید، آتش در همه جا خاموش می‌شد. گویی مردم دورانی از ناپاکی را می‌گذراندند که حق افروختن و هرگونه استفاده از آتش را نداشتند. طبخ غذا و استفاده از روشنایی آن در شب ممنوع می‌شد اما چون دوران پرهیز تمام می‌شد، با مراسمی تجلیل‌آمیز و تشریفاتی مذهبی، آتش مقدس همه جا فروزش می‌یافت. برای تهیه آتش از شعاع آفتاب استفاده می‌شد و با نوعی ذره‌بین یا آینه‌های مقعر آتش می‌افروختند. ازتک‌ها هر ۵۲ سال یکبار، ضمن مراسمی باشکوه و مفصل آتش‌ها را خاموش و دوباره آن را به‌عنوان تجدید حیات زمین و رستاخیز زندگی روشن می‌کردند. (۱۲)، چرا که آنها در پایان هر ۵۲ سال انتظار وقوع حوادث ناگوار جهانی را داشتند

بوده‌اند و مظاهر طبیعی چون سنگ‌ها، گیاهان، جانوران، آسمان، ستارگان و عناصر چهارگانه عالم هستی چون خاک، باد، آب و آتش را یا به‌صورت کلی و مطلق مورد تکریم و تقدیس قرار می‌دادند و یا به‌صورت محدود و مشخص. سامی‌ها و آریایی‌ها پیش از ایمان به خدای یکتا، مظاهر طبیعی را مورد تقدیس و احترام قرار می‌دادند. دین‌وده‌ای یعنی دین اقوام هند و اروپایی که نزد آریایی‌های هند آثار آن تا به امروز باقی مانده است نیز چیزی جز طبیعت‌پرستی نبوده است. احترام به مظاهر طبیعی به ویژه آتش و درخت که امروزه در نزد ایرانی‌ها، یونانی‌ها، اسلاوها، ژرمن‌ها و اسکانندیناوها مشاهده می‌شود، یادگاری است از عمومیت این آیین در نزد امم قدیم و هم‌اکنون آرایش درخت کاج در عید میلاد مسیح و افروختن شمع در آغاز سال و یا به‌عنوان نذر در کلیساها، بر سر مزارها و غیره همه دنباله طبیعت‌پرستی است. (۶)

اعتقاد به خصوصیت مثبت آتش نزد نژاد هند و اروپایی در درجه اول از احترام مذهبی به آتش سوزان در آتشدان آشکار می‌شود. آتش قدرت بارورکننده مذکر است و باعث باروری زنان می‌شود و حاصلخیزی مزرعه را تضمین می‌کند. آتش یک وسیله جادویی برای پرده برداشتن از آینده و رسیدن به جاودانگی است. پادشاهان اسپارنی آتشی را که از آتشدان گرفته شده بود با خود در جنگ‌ها حمل می‌کردند. آتش در آیین‌های خالص‌کننده جادویی مختلفی به کار گرفته می‌شود، مثل راه رفتن بر آتش. با تسلیم شدن به این سه خصوصیت آتش انسان خود را از ناپاکی و آلودگی پاک و از استیلای قدرت‌های پلید حفظ می‌کند. این خصوصیت مخرب آتش مانع از بروز نتیجه مثبت آن نمی‌شود. در واقع جنبه روحانی آتش است که ارزش به آن می‌دهد. (۷) آتش در آفریقا: از آنجا که جهان مخلوق خداوند است، نزد اکثر ادیان آفریقایی علایم، اماکن و فضاهای خاص، مقدس شمرده می‌شوند. از میان مهم‌ترین سمبل‌هایی که نزد پاره‌ای از ادیان آفریقایی معنایی مقدس دارد، می‌توان از آتش نام برد. (۸) آتش را موهبتی خدایی می‌دانند که از آسمان به زمین آورده شده. مردمان ایله براین اعتقادند که آتش را زنبور بنا به زمین آورد. زنبور بنا در آفریقا از زنبورهای مشهور است با مشخصاتی ویژه. اسطوره‌های متفاوت بسیاری درباره گرفتن آتش از خدا و آوردن آن به زمین وجود دارد.

آتش و ستایش آن که پیشینه‌اش برابر است با نخستین گاه به وجود آمدن آن، میان اغلب اقوام، قبایل و ملل بزرگ و کوچک برقرار بوده است. از آن جمله میان بوش من‌ها که از بنویان بیابان نشین



جام بزرگ زرین که هفاستوس آن را ساخته بود، می‌راند. (۱۸)

هفاستوس خدایی مهربان و دوستدار صلح و آرامش بود و هم در زمین و هم در آسمان مورد حرمت و دوستی بود. او و الهه آتنا پشتیبان صنایع دستی بودند. هستیا که رب‌النوع اجاقی نیز خوانده می‌شد، نوزادان را پیش از ورود به میان خانواده دور اجاقی (آتش خانگی) او طواف می‌دادند. هر شهر نیز یک اجاقی، ویژه هستیا داشت که نمی‌گذاشتند آتش آن خاموش شود. هر گاه می‌خواستند یک شهر جدید تأسیس کنند، زغال و هیمه اجاقی شهر پیشین را با خود می‌بردند تا آتش را در آتشگاه نو برافروزند. (۱۹) در یونان اساطیر بسیاری درباره آتش و پروردگار آن آمده که هر گروه می‌کوشد پیدایش آن را به خود نسبت دهد و این مطلب وابستگی مردم قدیم یونان را به این عنصر حیاتی می‌رساند. (۲۰)

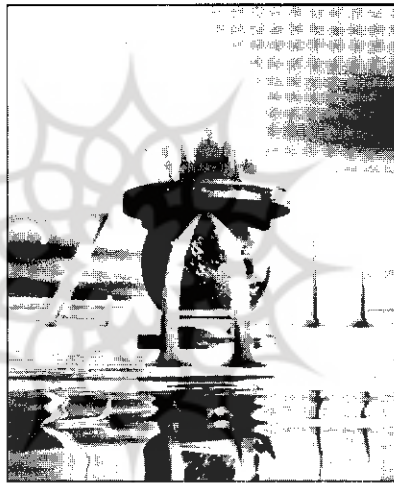
آتش در هند باستان: در میان اقوام آریایی آتش مقدس شمرده می‌شد و مرکز و محور اعمال و آیین‌های دینی بود. نزد این مردم آتش موهبتی الهی و سرچشمه نور، گرمی و یادآور فروغ خداوندی بود و این تقدس ناشی از سهم بزرگی بود که آتش در زندگی روزانه آنها داشت. دروده‌ها که کهن‌ترین آثار باقی‌مانده از هندیان است، اگنی (Agni) خدای آتش از بزرگ‌ترین خدایان است، خدایان بزرگ ریگ وده عبارتند از خدای آتش، باران، رعد و برق و خدای آفتاب که هر یک نماینده یکی از سه جهان است. (۲۱) تنها در ریگ وده بیش از ۲۰۰ سرود در توصیف و ستایش اگنی وجود دارد. عنصر آتش مظهر قدرت و تجلی صفات و کیفیات اگنی است که به صورت های مختلف در جهان ظاهر می‌شود: در زمین به صورت آتش هیزم و سایر مواد سوختنی، در آسمان به صورت خورشید و اجرام فلکی و در فضای میان زمین و آسمان به صورت آذرخش هستی دارد. (۲۲) بنا بر آداب هندو، اگنی واسطه میان انسان و خدایان دیگر توصیف شده، او حامی آدمی و حافظ خانواده و ناظر بر اعمال و مراسم است. آتش وسیله انتقال قربانی است و نذر و قربانی‌ها را به خدایان دیگر می‌رساند. علاوه بر اگنی، باد و خاک و آب هم گاهی عامل این انتقال قرار می‌گیرند. برای قربانی و اهدای نذر سه آتش برمی‌افروختند. اگنی را غالباً زشت و به صورت موجوداتی که آنها را می‌بلعد تصویر کرده‌اند. او دو دندان آهنین خود را تیز می‌کند و دشمنانش را فرو می‌برد.

در ریگ وده، ۴۵۱/۱۰ تولد سه گونه اگنی ذکر شده است. در آنجا تولد اگنی از آسمان انسان و آب دانسته شده است. دومین مورد به تولد او بر زمین

باز می‌گردد و تولد او در آسمان نیز همراه با باران بوده است. (۲۳) بنا بر افسانه‌ها، اگنی نیز چون دیگر خدایان هندو دارای همسر و فرزند است. او و پسران و نوادگانش مجموعاً بالغ بر ۴۹ تن می‌شوند که همان آتش‌هایی هستند که در «وایو پورانه» نامی از آنها برده شده است.

در نظر هندوان عسروه‌ای ایندیره (خدای رعد) و اگنی دو خدای غلبه‌ناپذیر، سزاوار شهرتند که در مواقع آشوب و غوغا ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشتند. برقی که از سلاح آن دو می‌جهد، شکافته است. آن دو لایق و فاقد حيله و تزویرند و روزبه‌روز فزونی می‌بخشند. (۲۴)

صبح‌های زود، در سرتاسر هندوستان در خانه



هندوان دیندار، مرد خانواده با طلوع صبح قبل از خورشید بیدار می‌شود، خود را با آب تطهیر می‌کند و در حالی که آیات مقدسی را بر زبان می‌آورد، از زغال‌های مخصوص آتش مقدس درون آن ریخته و آتش را به نام اگنی به هم می‌زند و در حالی که رو به سوی شرق دارد، بازوان خویش را در مقابل خورشیدی که از مشرق سربر می‌آورد، بلند کرده، این آیه مقدس باستانی را تلاوت می‌کند: «به امید آنکه ما هم جلال و بزرگی عالی ساویتار-رب‌النوع- را کسب کنیم، به امید آنکه او نیایش‌های ما را تشویق کند. ما با درک و تفاهم کامل و با شوق بسیار، سهم خود از رفاه و معیشت را از ساویتار درخواست می‌کنیم.» (۲۵)

#### مأخذ:

الصیصی، اغناطیوس، ستایش آتش: نشر دوستداران درخت و طبیعت، تهران ۱۳۴۵؛ بایار، ژان پیر، رمزپردازی آتش، ترجمه جلال ستاری، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۶؛ بختورتاش، ن.، نشان راز آمیز، نشر مؤلف، تهران ۱۳۷۰؛ کانون هیلا، «ادیان هند»، جهان

مذهبی، ادیت رابرت ویر، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر فرهنگ اسلام، تهران ۱۳۷۴ از همان کتاب عظیم نانچی: پوردادو، ابراهیم، ویسپرد، نشر بهمن، تهران ۱۳۴۳؛ جلالی نائینی، محمدرضا، گزیده سرودهای ریگ وده، نشر نقره، تهران ۱۳۷۲؛ رضی، هاشم، گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، نشر بهجت، تهران ۱۳۷۱؛ همو، تاریخ ادیان، نشر کاوه، تهران ۱۳۴۵؛ طیبی، حشمت‌الله، میادی و اصول جامعه‌شناسی، نشر اسلامی، تهران ۱۳۷۰؛ همیلتون ادیت، سیری در اساطیر یونان و روم، عبدالحسین شریفیان، نشر اساطیر ۱۳۷۶؛

Pike.Royston, "Fire", Encyclopaedia of Religion and Religion, New York, Meridian library, 1958, Edsman.carl, "Fire", Encyclopaedia of Religion, Eliade (ed) New York, 1987; Sanders.g. "Fire, used symbolism", New catholic Encyclopaedia

New York, 1967; Crawley, A.E. "Fire, Fire Gods", Encyclopaedia of Religion and Ethics, New York, 1974; Macdonel, A.A, Vedic my thology, Delhi , 1974; Encyclopaedia of Britanica, Internet, "The Birth of Agni" Haya, Kawa.

#### پی نوشت ها:

- ۱- ژان پیربایار، ص ۲۰
- ۲- پایک ریستن، ۱۵۳
- ۳- کارل ادسمن، ۵/۳۹۰
- ۴- ژان پیربایار، ص ۲۴-۲۰
- ۵- پایک ریستن، ۱۵۳
- ۶- حشمت‌الله طیبی، ص ۲۰۹-۲۰۸
- ۷- ج. ساندروز، ۵/۹۳۳
- ۸- عظیم نانچی، ۱۰۱/۱۰۲
- ۹- هاشم رضی، ۱۰۱۲-۱۰۱۳
- ۱۰- بریتانیکا، ۱۳/۸۱
- ۱۱- ژان پیربایار، ۲۳۶، ۲۳۷
- ۱۲- هاشم رضی، تاریخ ادیان، ۸۴۶، ۸۴۵/۵
- ۱۳- ن. بختورتاش، ص ۱۲۳-۱۱۸
- ۱۴- هاشم رضی، ۸۴۷/۵
- ۱۵- اغناطیوس، الصیصی، ص ۱۱
- ۱۶- ن. بختورتاش، ۸۸، 17-Prometheus
- ۱۸- ن. بختورتاش، ۱۱۰
- ۱۹- ادیت همیلتون، ص ۴۳، ۴۴
- ۲۰- پوردادو، ۱۰۰-۹۹
- ۲۱- کراولی، ۶/۳۹
- ۲۲- مکدانل، ۹۰-۹۲
- ۲۳- هایا کاوه، اینترننت
- ۲۴- ریگ وده، ۸۷-۸۳
- ۲۵- کانون هیلا، جهان مذهبی، ۱۵۱-۱۴۱